

نگاهی راهبردی به نتایج جنگ غزه

از نظر اسرائیل، اگر این جنگ در حالی متوقف شود که اسرا در دست حماس باقی مانده‌اند این به معنای ثبت قطعی پیروزی حماس بر اسرائیل است. پیروزی حماس در این جنگ کفه نظامی را به نفع آن و به ضرر اسرائیل سنگین خواهد کرد و این حماس را به شکل‌دهی به جنگ بزرگ‌تری ترغیب می‌کند، جنگی که این بار فلسطینی‌ها با روحیه بالاتر و نیرویی عظیم‌تر در غزه، کرانه و قدس به میدان می‌آیند و کار را یکسره می‌کنند.

به گزارش سایت خبری پرسون، سعدالله زارعی در یادداشتی نوشت: خیلی‌ها گفته‌اند فلسطین و اسرائیل بعد از پایان جنگ کنونی دیگر فلسطین و اسرائیل قبلی نخواهند بود. بعضی هم فراتر از این گفته‌اند وضع غرب و منطقه غرب آسیا بعد از پایان جنگ کنونی غزه دیگر در وضع قبلی باقی نخواهند ماند.

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر مفلوک رژیم صهیونیستی معتقد است آثار پیروزی و شکست در جنگ کنونی غزه فراتر از اسرائیل خواهد رفت. او روز دوشنبه هفته قبل در مصاحبه با خبرنگار «فاکس‌نیوز» گفت «ما باید پیروز شویم تا از اسرائیل محافظت کنیم. ما باید برای حفاظت از خاورمیانه پیروز شویم. ما به خاطر دنیای متمدن باید پیروز شویم. این نبردی است که ما در حال جنگیدن در آن هستیم و در حال حاضر در حال انجام است. هیچ جایگزینی برای این پیروزی وجود ندارد. نبرد ما، مبارزه شماست و هیچ جایگزینی برای پیروزی وجود ندارد».

جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا هم همین نکات را با بیانی دیگر گفته است: «اسرائیل تنها و بزرگ‌ترین قدرت آمریکا در خاورمیانه است. امنیت آمریکا و اسرائیل به‌طور جداناپذیری به هم گره خورده است».

گلانت وزیر جنگ رژیم صهیونیستی هم اواخر هفته پیش تصریح کرد «حماس باید شکست بخورد در غیر این صورت اسرائیل در مکان جغرافیایی فعلی وجود نخواهد داشت».

«توماس فریدمن» چهره سرشناس امنیت ملی آمریکا هم در مقاله هفتگی خود در نیویورک‌تایمز نوشت شکست اسرائیل ممکن است همه - وابستگان آمریکا در غرب آسیا - را سرنگون کند.

در این میان نکاتی وجود دارد:

۱- در واقع نتانیاهو در مصاحبه با فاکس‌نیوز به غربی‌ها هشدار می‌دهد که شکست اسرائیل در جنگ، سبب فروپاشی راهبرد اصلی و راهکار بنیادی غرب در آسیا می‌شود و لذا نباید اجازه دهند اسرائیل تحت هیچ شرایطی در جنگ غزه شکست بخورد. پس از جنگ جهانی دوم، راهبرد بنیادی کشورهای اروپایی و آمریکا حفظ تسلط بر حکومت‌ها و منابع کشورهای غرب آسیا از طریق ایجاد یک «پایگاه مطمئن» بود و رژیم اسرائیل به این منظور از خاکستر دوره قیمومیت انگلیس و فرانسه بر کشورهای عرب منطقه برخاست و به‌طور دائمی تقویت گردید و به اصل خدشه‌ناپذیر در سیاست خارجی غرب درآمد. در آن زمان مأموریتی که به صهیونیست‌ها سپرده شد، بسیار فراتر از تشکیل یک دولت ملی یهودی در فلسطین بود و از این‌رو آژانس یهود در حالی که برای استقرار در فلسطین دچار مشکلات اساسی بود و چشم‌اندازی برای آن وجود نداشت، گستره حکومت خود را نیل تا فرات و به عبارتی کل غرب آسیا قرار داد و غرب آن را در همین هیئت و قلمرو به رسمیت شناخت و برای تحقق آن تلاش بسیار کرد. هم‌اینک نتانیاهو به غربی‌ها یادآور می‌شود که اسرائیل برای چه تأسیس شده است. وی تذکر می‌دهد که اسرائیل برای کنترل خاورمیانه و برای تأمین منافع غرب تأسیس شده و بقاء آن به پیروزی در جنگ غزه بستگی دارد. نکته اینجاست که غربی‌ها به همین دلیل و پنج هفته پیش از مصاحبه نخست‌وزیر مفلوک اسرائیل با فاکس‌نیوز، سراسیمه به تل‌آویو آمدند تا اوضاع را از نزدیک ارزیابی کرده و برای رفع مشکل اساسی رژیم اسرائیل چاره‌ای بیندیشند. پس در واقع نتانیاهو در این مصاحبه پس از پنج هفته اعتراف کرده است که این حمایت‌ها وضع را تغییر نداده و سقوط اسرائیل کماکان به‌طور جدی محتمل می‌باشد. از بیان او بر می‌آید که وی نیاز اسرائیل به حمایت مؤثر غرب را بسیار بیش از چیزی می‌داند که طی هفته‌های اخیر در اختیار آن قرار گرفته است.

۲- واقعیت این است که غرب در حمایت از رژیم اسرائیل دچار چالش جدی گردیده است. چالش این است که حمایت از اسرائیل و تأمین منافع غرب در منطقه اسلامی غرب آسیا برخلاف آنچه در غرب تصور می‌شده، به دلیل شکست‌های پی‌درپی اسرائیل و نفرت منطقه از آن در مقابل هم قرار گرفته است. این درست است که غرب، اسرائیل را در این منطقه ایجاد کرد تا به‌طور راهبردی و درازمدت سلطه غرب بر منطقه ضمانت شود اما هم‌اینک وضع رژیم اسرائیل و وضع منطقه مطابق انتظار غرب پیش نرفته و اینک به‌گونه‌ای است که هرچه غرب از رژیم اسرائیل بیشتر حمایت می‌کند، منافع آن بیشتر به خطر می‌افتد. هم‌اینک اسرائیل برای غرب از یک «راهحل مطلوب» به یک «مشکل راهبردی» تبدیل شده است. به همین دلیل بعضی از تحلیلگران ارشد امنیتی غرب هشدار داده‌اند که پیروی از سیاست نتانیاهو در جنگ غزه سبب تشدید مشکلات غرب می‌شود. «توماس فریدمن» در نیویورک‌تایمز خطاب به بایدن نوشته است «ما نباید اسیر استراتژی نتانیاهو شویم چرا که ممکن است همه - وابستگان به آمریکا در منطقه، منظور دولت‌های عرب - را سرنگون کند».

روزنامه «بلومبرگ» هم روز چهارشنبه هفته گذشته نوشت دولت آمریکا نگران رفتار دولت اسرائیل بوده و «به‌طور فزاینده‌ای از رفتار آن در جنگ علیه حماس ناامید شده است» این روزنامه می‌نویسد «آمریکا تلاش می‌کند تا به درگیری غزه سر و شکل دهد - آن را آنکارده نماید - اما رژیم اسرائیل تنها به

پیروزی خود در این جنگ می‌اندیشد».

«جان آلترمن» معاون ارشد رئیس اندیشکده آمریکایی «مرکز مطالعات بین‌المللی و راهبردی» روز چهارشنبه به «بلومبرگ» گفت «طی ۵۰ سال گذشته - بعد از جنگ ۱۹۷۳ - جنگ‌های اسرائیل به این دلیل پایان یافت که آمریکا وارد عمل شد و گفت «زمان توقف فرا رسیده است».

غرب طی حدود هفت دهه گذشته، سیاست‌های خود در غرب آسیا را اسرائیل‌یزه نموده و همه چیز را با شاخص حفظ برتری اسرائیل تنظیم کرده است. در طول این دوران لااقل ۳۴ طرح فراگیر برای ایجاد و تداوم برتری اسرائیل از سوی غربی‌ها ارائه شده اما با وجود آن، هم‌اینک احساس غرب این است که بقاء و تقویت اسرائیل به تضمین منافع غرب در این منطقه ویژه سیاسی - اقتصادی (یعنی غرب آسیا) منجر نشده و به‌طور فزاینده، رابطه معکوسی میان این دو به وجود آمده است. در واقع این موضوع تا حد زیادی روی انگیزه غرب به‌خصوص ملت‌های غرب تأثیر منفی گذاشته و نتایج را به شدت ناراحت و نگران کرده است.

چهارشنبه هفته گذشته مؤسسه آمریکایی «ایپسوس» نتایج یک نظرسنجی که طی روزهای پیش از آن در میان شهروندان آمریکایی انجام داده بود، منتشر کرد که براساس آن در فاصله حدود دو هفته سطح حمایت از اسرائیل به نحو عجیبی دگرگون شده بود. براساس این نظرسنجی تنها ۳۲ درصد از شهروندان آمریکایی از سیاست‌های حمایتی دولت بایدن نسبت به اسرائیل حمایت کرده‌اند در حالی که این میزان در دو هفته پیش از آن ۴۱ درصد بوده است. در این میان حتی ۳۹ درصد شهروندان گفته‌اند دولت آمریکا باید در جنگ اسرائیل و حماس بیطرف باشد، در حالی که در نظرسنجی قبلی تنها ۲۷ درصد مردم آمریکا از بیطرفی دولت در این جنگ حمایت کرده بودند. در این نظرسنجی ۶۸ درصد شهروندان آمریکایی گفته‌اند اسرائیل باید به جای جنگ، راه مذاکره با حماس را در پیش بگیرد و ۶۹ درصد با ارسال سلاح به اسرائیل مخالفت کرده‌اند.

۳- کاهش حمایت افکار عمومی غرب از اسرائیل در جنگ، به‌طور مستقیم با وضع میدان جنگ غزه رابطه دارد. این روند کاهشی و بیان ملمسمانه نتایج را در جلب حمایت بیشتر دولت‌های غربی بیانگر وجود بن‌بست نظامی اسرائیل در میدان جنگ غزه است. بعضی خبرها بیانگر آن است که حدود دو هفته پیش، مقامات ارشد آمریکایی به دولت نتایج گفتگوها بودند دو هفته وقت دارد تا به یک پیروزی معتبر در غزه دست پیدا کند و پس از آن چاره‌ای جز رفتن به سمت مذاکره ندارد. حالا دو هفته به پایان رسیده است و نتایج در مصاحبه روز دوشنبه پیش با فاکس‌نیوز اصرار دارد که اسرائیل برای دست یافتن به برتری راهبردی در جنگ به زمان بیشتری نیازمند است.

نتایج در آغاز عملیات زمینی علیه غزه یعنی حدود سه هفته پیش، سه هدف راهبردی را اعلام کرد؛ از میان برداشتن حماس، آزادسازی اسرای اسرائیل و تغییر وضع اداری غزه و به عبارتی خارج کردن اداره امور غزه از دست حماس. هم‌اینک این دو هفته به پایان رسیده و از نظر تاکتیکی، ارتش اسرائیل پس از بمباران شدید هوایی و دریایی و با ورود سنگین زرهی بخش شمالی غزه را که حدود ۱۵۰ کیلومتر مربع می‌باشد به اشغال درآورده ولی از تحقق سه هدفی که اعلام کرده خبری نیست. اسرائیل هنوز نمی‌داند چه تعدادی اسیر در دست حماس دارد چه رسد به اینکه به فهرستی از آنها دسترسی پیدا کرده باشد و سه روز پیش، پس از تصرف بیمارستان شفا که ادعا می‌کرد مهم‌ترین دژ نظامی حماس می‌باشد، اعلام کرد نه به نیروهای حماس دسترسی پیدا کرده و نه اثری از اسرای خود در آن دیده است.

آمریکا به خوبی می‌داند اسرائیل قادر به حل مسایل از طریق مانور نظامی در غزه نیست از این‌رو به مقامات اسرائیلی گفته است مهار حماس و تغییر وضع اداری غزه و آزادسازی اسرا به مذاکرات سیاسی بسپارند و از کارهایی که وضع را خراب‌تر می‌کند اجتناب نمایند! و این در حالی است که رژیم اسرائیل به دلیل نداشتن دستاورد معتبر، به مذاکرات سیاسی اعتماد ندارد و هر نوع شروع مذاکره پیش از دستیابی به اسرا را خلاف مصالح امنیتی خود می‌داند. عبارت گالانت که در واقع در جواب ابتکار آمریکایی‌ها مطرح شده وضع اسرائیل در این شرایط را بیان می‌کند. وزیر جنگ رژیم صهیونیستی می‌گوید: «حماس باید شکست بخورد در غیر این صورت اسرائیل در مکان جغرافیایی فعلی وجود نخواهد داشت».

از نظر اسرائیل، اگر این جنگ در حالی متوقف شود که اسرا در دست حماس باقی مانده‌اند این به معنای ثبت قطعی پیروزی حماس بر اسرائیل است. پیروزی حماس در این جنگ کفه نظامی را به نفع آن و به ضرر اسرائیل سنگین خواهد کرد و این حماس را به شکل‌دهی به جنگ بزرگ‌تری ترغیب می‌کند، جنگی که این بار فلسطینی‌ها با روحیه بالاتر و نیرویی عظیم‌تر در غزه، کرانه و قدس به میدان می‌آیند و کار را یکسره می‌کنند.